



دوره هفتم تقنینیه

جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۸۱		۸۱
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمت اشتراك
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی	داخله ایران سالیانه ده تومان
جلسه یکشنبه ۳	خواهد بود	خارجی و دوازده تومان
آذر ماه ۱۳۰۸	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود	قیمت يك شماره
مطابق ۲۱ جلدی الاخری	مطبوعه مجلس	يك قران
۱۳۴۸		

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۳ آذر ماه ۱۳۰۸ ✠ (۲۱ جادی الثانیه ۱۳۴۸)

نهرست مذاکرات

۱) تصویب صورت مجلس
۲) بقیه مذاکرات و تصویب لایحه جلوگیری قاچاق تریاک
۳) معرفی معاون وزارت مالیه
۴) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

(۱ - تصویب صورت مجلس)

صورت مجلس روز پنجشنبه ۳۰ آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند ✠✠

رئیس - آقای زوار
زوار - قبل از دستور
رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟
(معارضی نبود)

در ماده ۵ - پیشنهاد میکنم این جمله اضافه شود؛
بعلاوه جبران خسارات وارده شخص متهم بانفصال ابدی از
خدمت دولت الی آخر
رئیس - صورت مجلس تصویب شد

(۲ - بقیه مذاکرات و تصویب لایحه)
(جلوگیری قاچاق تریاک)
رئیس - بطوریکه خاطر آقایان مستحضر است پیشنهادی
آقای رفیع کرده اند و دولت جمله مفرضانه و برخلاف واقع
توضیح ندادند ام

رئیس - بطوریکه خاطر آقایان مستحضر است پیشنهادی
آقای رفیع کرده اند و دولت جمله مفرضانه و برخلاف واقع
توضیح ندادند ام

✠ عین مذاکرات مشروح هشتاد و یکمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستثنای مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)
دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

رئیس - بفرمائید

اعتبار - بنده از نقطه نظر تجربه و برای اینکه يك قسمت عمر خود را در ولايات گذرانده ام این پیشنهاد را تقدیم کردم در ولايات صرف نظر از اینکه مأمورینی هستند که واقعا مفرضند و برای نفع شخصی خودشان بیجهت مزاحم مردم هستند دستجاتی دیده میشود که با هم همدست میشوند (بیات صحیح است) و برای این که يك شخص محترمی را مفتضح کنند یکنفر مأمور اداره تحدید با اداره انحصار را میآورند با خودشان موافق میکنند و بالاخره بارها دیده شده و سابقه زیادی هم در وزارت مالیه دارد که مأمورین میروند تریك می اندازند در دكان و خانه مردم و میگویند قاچاق است (نمابندگان صحیح است) ما وقتی که میخواهیم از يك طرف بگرویم مردم قاچاق نکنند از طرف دیگر باید آبروی آنها را هم حفظ کنیم خوب مردم هم که حرفی با مأمورین نباید داشته باشند این جهت بنده این پیشنهاد را کردم که مأمورین بدانند که اگر بر خلاف واقع با روی نظر شخصی و غرض آمدند و مزاحم مردم شدند برای آنها هم مجازات قائل شده باشیم و نظر وزیر مالیه سابق و وزیر امور خارجه امروز این بود که حالا ممکن است مأمورین دیگر دنبال کار نروند و از این ماده بترسند خوب مأمورین را وقتی که شما عین قیمت قاچاق را با آنها بدهید و يك صدسی هم اضافه با آنها بدهید و اینطور آنها را تشویق بفرمائید اینها البته دنبال این کار خواهند رفت ولی باید فکری کرد که جلوی اغراض را نا حدی گرفت حالا اگر این قسمت را زیاد میدانید ممکن است انفصال موقت و انفصال دائم را در نظامنامه شقوقش را معین کنید که از يك ماه دو ماه سه ماه و اگر تکرار شود (کازرونی چرا آقا؟ صحبت بین نمایندگان - زنک . . .) انفصال ابد و البته يك همچو مأموری را وزارت مالیه نباید داشته باشد این بود که بنده خواستم برای حفظ آبرو و حیثیات مردم این پیشنهاد را تقدیم کنم (صحیح است)

وزیر امور خارجه (آقای فوزی) - عرض کنم از قضیه چنانچه در جلسه گذشته هم مذاکره شد بنظر خود همه طرفش خوب روشن است و تأمین شده بود. اما این که لایحه تقدیم شد منظور معلوم بود که باید در عین جواب بشود. این جمله عین حفظ حیثیات مردم و جلوگیری از اسراف با افراطی است که ممکن است مأمورین نسبت به مردم بکنند یا مردم نسبت به دولت بنمایند آنرا پنج که در این لایحه گذارده شده است برای همین است. عرض کردم که ما بموجب ماده پنج خودمان مکلف دانستیم و این فکر را هم وارد کردیم در لایحه که جلوگیری شود از مأمورینی که میخواهند افراد کنند با در تحت این عنوان مزاحمتی برای کسی فراهم کنند پیشنهاد آقای اعتبار همین قضیه را در نظر گرفته است منتهی برده است بحد تقریب بنده همچو خیال میکنم که اگر ما بخواهیم از انتهای مطلب نزدیک بیاییم و صورت عملش بگیریم همان مذاکراتی است که در جلسه گذشته هم پیشنهادات بسیاری هم شد و حتی بنده هم قبول کردم ماده کله مفرضانه را هم علاوه کنیم با این که عرض شخصی و این قبیل چیزها را اینها هم قبول کردم برای این بود که مسلم باشد تمام چیزهای منتهی را ما میخواهیم قبول کنیم برای این که جلوگیری تعدیات مأمورین هم شده باشد با تمام اینها باید اینها ما انصاف بدهیم همانطوریکه در جلسه گذشته عرض کرد باید در نظر داشت که کله انفصال مطلق هر مأموری مطلقا بگرویم از حدود منطقه خودش تجاوز نکند و حدود وظیفه خودش تجاوزی ننماید کلمه انفصال را گذاشتیم مأمورین کلی از ادای وظایف خودش باز بماند چرا؟ برای اینکه همانطور که معایب بسیاری در مأمورین در ضمن اجرای وظایف هست يك معایب بسیاری هم آن کسانی که تحت تفطیش واقع میشوند هست بسا بنده که مأمور آنها هائی با نسبت هائی میدهد بکسانی که تحت تفطیش او واقع شده اند و تکرار هم دیده ایم که اشغال هم مظلون واقع میشوند آنها هم يك نهمت هائی به مأمورین

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اولاً همانطور که آقا فرمودند بی جلوگیری از دو طرف بشود که نه مأمورین بتوانند بی جهت متعرض مردم بشوند و نه مردم مأمورین را متهم کنند یا هر کدام از آنها را محدود به يك حدی کنند از این جهت بنده پیشنهاد کردم که اگر مأمورین دولت آمدند و کسی را متهم کردند به ناحق بعد معلوم شد که به ناحق نهمت زده اند باید مجازات متهم . . . (آقا سید یعقوب متهم نه) نهمت زنده که مستخدم است و نهمت زده است لا اقل پنجسال از خدمت معاف باشد حالا انفصال ابد را میگویند تفریط و افراط در کار است و بدون انفصال هم ممکن است هر روز اسباب مزاحمت مردم فراهم شود چنانچه بعضی ها که در بیرون آمدو شد دارند میدانند که بعضی از مأمورین دولت با مردم چطور رفتار میکنند حتی چند روز قبل مأموری جهت گرفتن مالیات رفته بود بيك چائی و مأمور میخواسته است تریك بکشد آن شخص نداشته است او را کتک زده اند پس برای این که این قبیل کارها از بین برود بایستی طوری کرد که اینها هم نتوانند کسی را اذیت کنند و بنظر بنده این طوری که بنده پیشنهاد کرده ام که اگر چنانچه معلوم شد که بدون جهت اسباب زحمت مردم را فراهم کرده اند پنجسال از خدمت منفصل میشوند این هم جلوگیری از تعدیات مأمورین میکند و هم اسباب عبرت دیگران میشود .

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده مخالفم .

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده میخواستم قبلاً توجه بدهم خاطر محترم هیئت دولت را که همینطور که مجلس هفت ماه صرف بر

بیزنده البته باید هر دو طرف قضیه را رعایت کرد بنده عرض دارم که منظور آقای اعتبار و مجلس در این بابت تأمین بود منتهی این است که يك فورمولی را باید اختیار کنیم که عملی باشد یعنی از اینجا تا شوم برویم در اداره بنشینیم و آن جا نگاه کنیم به قضیه بنده منظور را پیشنهاد میکنم شاید آقای اعتبار بایکی از آقایان پیشنهادی این طریق بفرمایند بهتر باشد که گفته شود در صورتیکه مأمورین از حدود خودش نخطی کرد با اینکه زحمت وارد آورد با توهین یا هر چه با خسارتی بکسی وارد آورد اقلال بوجب نظامنامه که در آن نظامنامه يك حد ابتدائی و انتهائی ما برایش قائل شویم یعنی از ملامت جرمه و خارج شدن از انفصال ابد اینرا باید بگذاریم در يك جای معینی که مأمور بداند که اگر تقصیری از او ناشی شده باشد مجازات میشود نه این که بصر این که بخواهند نسبتی با او بدهند فوری منفصل خواهد شد این جلوگیری خواهد کرد از ادای وظیفه او و از آن طرف هم آن منظوری که ما داریم که عایدات مملکت جمع آوری شود نامین نخواهد شد

رئیس - (خطاب آقای اعتبار) - تقاضا میکنید که رأی به پیشنهادتان را ناخبر بیندازید؟

اعتبار - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

اعتبار - بنده نظرم این بود که رأی به پیشنهاد بنده بماند تا وقتی که در ماده پنج کاملاً مطالعه شود و اصلاحاتی که لازم است در آن بشود و پیشنهادات دیگر خوانده شود و مواد دیگر خوانده شود آنوقت تکلیف ماده پنج معلوم شود .

رئیس - مواد دیگر را نمیشود خواند پیشنهاد آقای فیروز آبادی قرائت میشود :

بنده پیشنهاد میکنم که شخص متهم تا پنجسال از شغل دولتی منفصل باشد .

این است که عایدات دولت زیاد شود بطور مشروع بهمان اندازه هم برای حفظ حیثیات و آبروی جامعه باید زحمت بکشد (نمابندگان صحیح است) بک ماوروی که فرض بفرمائید پانزده تومان با بیست تومان حقوق اوست این آدم هتک شرافت بک شخصی را کرد بعد ملاحظه بفرمائید که اگر این شخص ابتدا هم از خدمت منفصل شود باز هم جبران حیثیت آن شخص نشده برای اینکه اگر درست دقت بفرمائید هر روز این قضایا واقع میشود بک بیچاره را در مقابل بزاک توی کیسه اش میاندازند بعد میگویند آقا تو قاچاقی آنوقت این بیچاره را بچه مضیقه دچار میکنند (صحیح است) پس برای اینکه ماورین کاملاً بدانند که اگر بکسی صدمه بزنند ابتدا از خدمت منفصل میشوند دیگر جرأت نمیکند بکسی غرض رانی و خود رانی بکنند بنده میخواستم دولت با این پیشنهاد آقای اعتبار موافقت بفرمایند که عنوان انفصال ابدی درش باشد که حقیقه هم مردم تکلیف خودشان را بدانند و هم ماورین دولت بکسی تعدی نکنند دولت تا اندازه تصدیق دارد که ممکن است تعدی نسبت مردم بشود حالا آقای وزیر مالیه میفرمایند درجانی برایش قائل شوم: بتوبیخ و ملامت سر زتش و درج در ورقه خدمت چه و چه و بالاخره برسد بانفصال ابد بعد از اینکه چندین مرتبه هتک شرافت اشخاصی شد و آبروی چندین نفر رفت آنوقت انفصال دائم باشد نه چه داعی داریم از ابتدا اگر چنانچه بک غرضی نسبت بکسی کردند و بعد معلوم شد که دروغ است و خلاف واقع است اعم از اینکه غرضی داشته باشد یا نه وقتی که آمدند و خانه را تقشیر کردند و گفتند تو قاچاق داری و بعد معلوم شد دروغ است او منفصل از خدمت بشود چه عیبی دارد؟ (بعضی از نمابندگان صحیح است)

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیل قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهادی از آقای عدل رسیده است قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم در ماده پنج پس از لفظ جبران نوشته شود مالی و شرفی

رئیس - آقای عدل

عدل - در ماده پیش از این ماده نوشته شده است که بهرکس نهمت بزنند او میتواند بعدلیه رجوع کند و در محاکم اقامه دعوی کند بنده بهمین ملاحظه این پیشنهاد را کردم کسی را که متهم میکنند بقاچاق محکم محکمه باید جبران خسارت او را بکنند هم از حیث مال و هم از حیث شرف و این را بایستی واگذار است بمعلمه

رئیس - آقای رفیع

رفیع - آقای عدل اینجا تقریباً با سایر آقایان موافقت که جبران خسارت بشود ولی البته تصدیق می فرمایند که جبران مالی را میتوان کرد ولی جبران شرفی را چطور میشود کرد؟ بک کسی آمد و شرف بک آدمی را برد شرف که چیزی نیست که از او پس بگیرند و صاحب شرف بدهند جبران شرف آن آدم این است که این ماور تیبیه شود و وقتی که ماور تنبیه شد البته تا حدی جبران میشود و اگر اینطور باشد که این آدم تنبیه شود و همین قدر که از خدمت منفصل شد آن شخص بکلی رانی نخواهد شد

عدل - بنده استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشامزاده قرائت میشود بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه محکوم نوشته شود که بعس نادیمی از بک ماه ناششماه محکوم خواهند شد احتشامزاده - بنده تصور می کنم این اندازه عمل

اتفاق هیئت دولت و نمابندگان محترم مجلس هست که هر که ماوروی بدون جهت متعرض اشخاص واقع شد و خواست آبروی بک شخص محترمی را تضییع

کند و او را متهم کرد بارتکاب قاچاق بایستی برای این آدم بک مجازاتی قائل شد و این محل اتفاق همه است منتهی آنچه بماده پیشنهادی دولت اشاره می کنند بگویند علاوه بر خسارات وارده مطابق قانون مجازات عمومی بایستی کسیکه بی جهت مردم را متهم بقاچاق می کند مجازات شود - قانون مجازات عمومی برای این قبیل موارد چیزی ندارد که برای این قبیل ماورین مجازات تهیه کند زیرا بک عده از موادی که ممکن است بگوئیم که مطابق آن مواد مجازات خواهند شد در آن بایک شقوقی برای افراد ذکر کرده که هیچوقت با ماورین قاچاق تطبیق نمی کند چون میگوید کسانی که بوسیله اوراق چاپی بیک اشخاصی افتراء بزنند یا کسانی که در مجامع عمومی بوسیله لواط مردم افتراء بزنند از بک ماه تا یکسال حبس خواهند شد و البته هیچ تردیدی نیست و بنده تصور میکنم وزیر امور خارجه هم موافقت کنند که بک ماوروی که بدون جهت می خواهد کسی را نهمت بزند باید مجازات شود. فرمودند اگر بخواید مجازات انفصال ابد از برای این ماورین قائل شوید بواسطه آنکه از این قسمت دارند ممکن است بوظیفه خودشان بدل نکنند و از کشف قاچاق خود داری کنند بنده تصور می کنم که هیچ ماوروی نباشد که اگر بدانند در آن جا بزاک قاچاقی است از ترس اقدام نکنند چرا؟ ای اینکه میدانند آنچه قاچاق است بنا بر این بنده تصور این است که اگر بر خلاف این رفتار کردند بی جهت متعرض مردم شدند برای این قبیل ماورین مجازاتی معین شود و چون بنده می بینم که آقایان برشان این است که بجای مجازات های مختلفه انفصال از خدمت دولت باشد لهذا بنده هم این پیشنهاد خودم را میگیرم و با پیشنهاد آقای اعتبار موافقت میکنم (نمابندگان - صحیح است)

رئیس - بک پیشنهادی از آقای دکتر طاهری رسیده است قرائت میشود:

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۵ بترتیب ذیل نوشته شود:

ماورینی که بر خلاف واقع کسی را متهم بارتکاب جرم قاچاق کرده و موجب مزاحمت شده مجبران خسارتی که بر اشخاص وارد آورده محکوم و علاوه از شش ماه تا سه سال از خدمت دولت منفصل خواهند بود.

دکتر طاهری - بعقیده بنده برای ماورینی که بر خلاف واقع مزاحم مردم میشوند و هتک شرافت مردم را می کنند همینطور که نظر همه آقایان هست بک مجازاتهای لازم است - مجازات روی هم رفته بایست متناسب با جرم باشد همانطور که جرم قاچاق مختلف است در جانش هم بایستی مختلف باشد آن کسیکه بر خلاف واقع مرتکب عملی میشود باید مجازاتش متناسب با خلافی باشد که کرده است. چونکه اشخاص فرق دارند حیثیات مردم هم متفاوت است می شود ماوریکه مرتکب بک خلافی شد او را بک درجه مجازات کرد. پیشنهاد آقای اعتبار خیلی موقع است ولیکن این قانون را بکلی از بین ببرد وقتی که نباشد ما مجازات باین شدیدی را برای بک ماور پیشنهاد کنیم دیگر ماوروی پیدا نمیشود که جرات کند برود تقشیر کنند این است برای اینکه این قانون بحال خودش باقی باشد و دولت بتواند ازش استفاده کند و هم ماورین نتوانند بدون جهت مزاحم کسی بشوند این است که بک حد متوسطی را قائل شوم (اعتبار - پیشنهادی هم که بنده کرده ام مثل مال شماس است) پیشنهادی که بنده کرده ام این است که انفصال او به تناسب جرمی که کرده است و عملیات خلافی که کرده است به تشخیص محکمه از ششماه باشد تا سه سال برای اینکه پیشنهادی که آقای اعتبار کرده بودند انفصال ابدی بود و بنده عقیده ام این است که این پیشنهادی را که بنده کرده ام بک پیشنهاد عادلانه است که این مجازات برای ماور بر حسب تشخیص محکمه باشد و متناسب با خلافی که مرتکب شده است باشد و از شش ماه تا سه سال (احتشامزاده - نا اید) منفصل باشد این است عقیده بنده

وزیر امور خارجه - بنده لازم دانستم يك چیزی را بمرض آقایان برسانم در پیشنهادهاي مختلفی که تقدیم شده بنده می بینم تقریباً حالت مجلس متوجه شده است باینکه باید جلوگیری کرد از دزد و سارق و قاچاقچی و آنهایی که مزاحم مردم هستند و برای آنها هم مجازاتی قائل شد و بنده اصراری دارم که تخفیفی در مجازات آنها قائل شوم خیر مطلب اینطور نباشد بنده عرض کردم ما اصلاً اساساً قضیه را در لایحه گذاشتیم برای همین که متوجه باشیم و مراقب باید بود که مأمور در مأموریت خودش افراط نکند و مزاحم مردم نباشد و از طرف دیگر هم کفایتی حالا که این اساس را شما در نظر دارید بهتر این است که مجازات او پنجوی باشد که مانع عمل او نباشد بنده حالا يك چیزی حضورتان عرض میکنم ممکن است غیر از این پیشنهاد پیشنهاد دیگری هم باشد و بالاخره هرچه مجلس رای بدهد مطاع است ولی زمانی هم بر ما میگذرد که می بینیم نسبت به چیزهایی که خوب منطبق نمیکنیم با عملیات اداری مثل قانون انحصار که همین رعایت در آنجا نشده بود و ما امروز محتاج شده ایم که چند ماده دیگر برایش پیشنهاد کنیم شاید يك روزی هم برسد که به بینیم این ماده هم محتاج بشود که يك مواد دیگری برایش وضع کنیم البته مجلس هرچه رای میدهد مطاع است ولی منظور من این است که آن مأمور را که شما میگویید برای اینکه جلوگیری کند از قاچاق و جمع آوری کند مالیه دولت را تمام را اگر بخواهید نظر انتقادی انتهائی بگیری این پیشرفت نمیکند (حواشاهی - صحیح است) که تمام را بگوئید دزد یا تمام را بگوئید صحیح و سالم این نمیشود ما باید يك حد متوسطی قائل شویم و تصور میکنیم که هم دزد هست و هم آدم نا نجیب و نامرغوب هست و هم آدم سالم آن آدم سالم و نجیب آن ماده را که که گذاشتید باحتیال اینکه مبادا آنها می بر من زنند و تا من بروم ثابت کنم که همچو چیزی نیست و من غرضی نداشتم از خدمت منفصل میشوم خانواده و زن

و بچه و زندگانی از بین میرود اصلاً نزدیک نمیشود باین هم هست و در مقابل عرض میکنم که رعایت این را بفرمائید و مجازات را طوری قرار دهید که بعد از آنکه معلوم شد آنها زده او را مجازات کنید ولی این را يك طوری در ماده نوشت که يك نفری بکلی از کار بماند رئیس - رای میگیرم به پیشنهاد آقای دکتر طاهری آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهادی از آقایان رسیده است قرائت میشود:

بنده پیشنهاد می کنم که در دفعه اول سه سال انقصال از خدمت و در دفعه نائی انقصال ابد از خدمت بیات - در این قسمت آقای وزیر امور خارجه

فرمودند باید بکطوری کرد که دست مأمورین باز البته نظر همه آقایان این قسمت هست که دست مأمورین باز باشد و بتوانند خدمات خود را انجام بدهند ولی يك نقطه نظری که آقایان دارند این است که بدون چه سبب مأمورین مزاحم مردم نشوند و آقای وزیر امور خارجه هم اظهار کردند که نظر دولت هم همین است که مردم بدون جهة دچار فشار مأمورین واقع نشوند در آن ماده اگر دقت کنید این مجازات برای چه اشغالی است و در چه موقعی است؟ در موقعی است که او شود برخلاف واقع و مغرضانه عمل کرده است و وقتی این مسئله ثابت شد بفرمایش خود آقای وزیر امور خارجه دیگر این دلسوزی ندارد. و قتیکه بکنفرانس و مغرضانه بپیچ بکنفران بیچاره شد البته دیگر این لایق اینکه خدمت دولت باو ارجاع شود نیست. ولی به آدم مغرض نباید اختیارات بدهد که آن اختیارات را مردم اعمال کنند بنابراین چون ثابت شد که این آدم برخلاف و مغرضانه عمل کرده است البته دیگر نباید مأمورین دولتی باشد. عقیده آقایان این است که بکلی متقاعد و بنده از این نظر که بدیم آقای وزیر امور خارجه اصرار

گفتم دفعه اول سه سال باشد و در دفعه نائی انقصال دائم و کمان میکنم اگر درست دقت بفرمائید هیچ اسباب دست بستن مأمورین نخواهد شد برای اینکه مأمورین درست تا يك امارات و ذلایلی پیدا نکنند غیروندك کاری بکنند اینها برای يك مأمورین غیر لایق نادرستی است که بکنفر پنج تومان بهش میدهد و او میاید یقه بکنفر را میگیرد و اسباب زحمت فراهم میکنند و البته بکنفر که مغرضانه اسباب زحمت فراهم میکند باید آقا هم تصدیق فرمایند که قابل اینکه مستخدم باشد نیست معذرتاً بنده پیشنهاد کردم در دفعه اول سه سال و در دفعه نائی انقصال دائم برایش معین شود.

وزیر امور خارجه - آقای اعتبار تجدید پیشنهادی کرده اند تمنی میکنم آنهم در موقع خودش قرائت شود رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بنده خواستم يك تذکری بدم و آن این است که مأمورینی که دولت برای این کار معین میکند غالب آنها کاریر اداری ندارند و يك اشخاصی هستند که با ماهی هفده هیجده تومان خدمت میکنند انقصال آنها از چه چیز است انقصال ذاتی است؟ پول چه چیزش را بگیرند اصلاً سرمایه ندارند شما اصلاً سرچی بخت میکنید او نه کاریر اداری دارد که اگر منفصل شد برسد نه سرمایه و با این حال بنده تصور میکنم اشکالی باقی نمی ماند مأمورینی که در این پایه بمانند غالباً از این مجازات ها هم هراسی ندارند.

وزیر عدلیه - (آقای داور) - بنده تصور میکنم اگر بکنفری توجه بفرمائید توافق نظر حاصل خواهد شد و خیلی هم زود تر به نتیجه میرسیم يك پیشنهادات مختلفی شده است من جمله پیشنهادی است که آقای اعتبار کرده اند که در دفعه اول از ششماه انقصال تا دو سال و در دفعه بعد انقصال ابد بنده خیال میکنم این يك وجه حلی است زیرا البته وقتی که مأمورینی از روی غرض این کار را کرده باشد باید انقصال ابدی بشود و اگر آقایان موافقت

بفرمایند با آن پیشنهاد کمان میکنم نظر همه آقایان نامین شود. پیشنهاد آقای اعتبار را مجدداً قرائت بفرمائید (وزیر امور خارجه - بسیار خوب صحیح است) (اینطور خوانده شد)

ماده پنج را بطریق ذیل اصلاح و پیشنهاد میکنم. مأمورینیکه برخلاف واقع کسی را متهم بارتکاب جرم قاچاق کرده و موجب مزاحمت شده باشند علاوه بچهران خسارتی که بر اشخاص وارد آورده اند به انقصال موقت از ششماه الی دو سال و در صورت تکرار به انقصال ابد محکوم خواهند شد. اعتبار

رئیس - این پیشنهاد را دولت قبول میکند؟ وزیر امور خارجه - بنده درست متوجه نشدم کلمه پس از ثبوت در پیشنهاد هست یا نه اگر نیست بنده این کلمه را لازم میدانم.

رئیس - رضا میدهید پیشنهاد ایشان ثاباً قرائت شود. بیات - بلی شاید بنده هم موافقت کنم (بشرح گذشته خوانده شد)

وزیر امور خارجه - اگر (پس از اثبات) اضافه شود موافقت میکنم. رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده گمان میکنم این نظر آقای وزیر امور خارجه نامین هست برای اینکه این اثبات را کی باید بکنند آن آدمی که میبرد شکایت میکند البته به يك مرجعی است یا به وزارت مالیه است یا به محاکم عدلیه و پس از اینکه ثابت شد این کار را خواهند کرد و پیش از این که شکایت بشود و به قضیه رسیدگی شود که این کار نمیشود. وزیر امور خارجه - يك چیزهایی هست که مسلم

است و معنی هم که در عبارت گذاشته شده است منظور بنده را نامین میکنند ولی بنده عرض میکنم مأمور بی سوادى که در فلان گوشه بیابان است اگر آدم صحیحی است بایستی خاطرش را نامین کرد که او بداند

پس از اینکه خیانتی نسبت باو ثابت شد (شریعت زاده - صحیح است) آنوقت این کار میشود .

اعتبار - بنده هم موافقم .

بعضی از نمایندگان - عیبی ندارد

رئیس - آقای عراقی

عراقی - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب با این پیشنهاد مخالفید ؟

آقا سید یعقوب - خیر

رئیس - آقای رفیع

رفیع - این مسئله محقق شد که هیئت دولت و آقایان نمایندگان توافق دارند که این مرد باید مجازات شود ولی معین کردن شش ماه پس از آن دو سال و بعد از آن انفصال دائم بنده با این ترتیب مخالفم . ما برای محکمه حق میگذاریم که نگاه کند بدرجات تقصیر شاید این آدم بقدری مقصر باشد که در همان دفعه اول بکلی باید منفصل شود ولی وقتی که شما معین کردید ششماه محکمه مجبور است همین کار را بکند و مطابق این قانون رفتار کند یعنی در دفعه اول نمیتواند بیش از شش ماه منفصلش کند شاید تقصیر اهمیتش بقدری باشد که لازم باشد در دفعه اول دو سال منفصلش کنند . بنظر بنده باید تشخیص درجات تقصیر را بنظر محکمه واگذار کرد (ناصری - صحیح است) که هر طور مقتضی دانست و تشخیص داد درجات تقصیر را از ششماه تا انفصال ابد برای او مجازات معین کند و این ترتیب بهتر از این است که ما مجازات را معین کنیم .

بعضی از نمایندگان - رای بگیرد به پیشنهاد آقای اعتبار .

رئیس - این را حالا نمیشود رأی گرفت چون این پیشنهاد را دولت هم قبول کرده است و بمنزله ماده پنج است . حالا پیشنهاد های دیگری که بر آن طاری است قرائت

میکنیم پیشنهاد آقای اورنگ :
بنده پیشنهاد میکنم که پس از ثبوت غرض ورزی مامورین نسبت باشخاص تعیین مجازات مامورین موافق قوانین جزئی بسته بنظر محکمه است . اورنگ
رئیس - آقای اورنگ .

اورنگ - عرض کنم اول باید موضوع معین شود بعد سر موضوع تعیین شده ما صحبت بکنیم بقعیده بنده موضوع بگذرد از محور خودش خارج شده است . موضوع این است که دولت برای تریاک يك باندولی وضع کرد و قانونی را در همین مجلس مقدس گذراندند و در عمل ملاحظه کردند که مردی این جنس را قاچاق میکنند و بدون اینکه بنظر مامور دولت برسانند و بر آنها تیر و باندول بزنند این را میبرند میفروشند . دولت چون این مسئله را در عمل دید آمد برای خاطر اینکه جلوگیری کرده باشد از این معنی این قانون جدید را در تحت هفت یا شش ماده به مجلس آورد . آقایان يك جهة مطلب را در نظر گرفته اند و يك جهة مطلب برای همه محو شده و از نظر مبارکشان فراموش شده . قسمتی که الان در نظر آقایان خیلی شکفته و برجسته و جسم است این جهة تعدی و مزاحمت مامورین است مردم و جهة دیگر که مردم هم زیاد این عمل را مرتکب می شوند و از این راه يك کارهایی کرده اند و میکنند فعلاً آن جهة در نظر آقایان خیلی مجسم نیست و اگر به این قسمت هم ما نظری بکنیم هر دو جهة در نظر ما مجسم میشود . اینجا فعلاً نظر بیشتر روی عمل بیشتر است . بیشتر معمول این بود که انومبیل يك مسافری که عبور می کرد چنانچه اتفاق اقتصاد در مورچه خواران اصفهان برای آقای مستشار اعظم رئیس کلینک سابق اباتی فارس مفتش می آمد سیخ درازی که سرش بیج بیج بود میزد نوی صندوق آنوقت مخزنی این صندوق اگر شکستی بود می شکست اگر خراب شدنی بود خراب میشد بعد از اینکه تمام محتویات آن صندوق

خراب میشد آنوقت مامور میگفت بله تریاک قاچاق در اینست تشریف ببرید . (کلای - معذرت میخوام)
مستشار اعظم در صندوق بیشتر از چهار پنج هزار تومان چینی های قدیم داشته تیکه شکسته هایش را ما خودمان دیدیم مردی پنجمزار تومان شش هزار تومان ضرر کرده مفتش گفت آقا تشریف ببرید چیزی در صندوق شما نیست . این مال سابق بود و روی این معمول هر قدر آقا بان رفت بفرمایند بجا است ولی حالا در این قانون دو ماده قبل از این يك ماده هست که حقیقه منصفانه و پخته این مسئله را رعایت کرده است و آن ماده این است که بگوید اگر ماموری نسبت به صندوق یا نسبت به بسته معمولات مسافر مظنون شد آن را لاک میکند اما با سرب که قابل انفکاک نباشد و يك جواز میبویسد بدست آن آدم میدهد و آن آدم باید آن صندوق یا بسته لاک سری بند را ببرد به مرکز یا در آن محلی که میخواهد مسافرت کند (فرضاً اصفهان که در آنجا هم محلی هست که آنرا ببرد) و در آنجا باز میکند صندوق خودش را که بنهایت آرامی است مزاحمت مامورین آن محل مشاهده کنند محتویات صندوق یا بسته را اگر تریاک درش نبود خدا حافظ کند و این عمل هم البته بقاضای مسافر است که همیشه در آن مسافر تقاضا کرد که نمیخوام در نوری این صحرا در بنگی امام من نمیخوام صندوق مرا باز کنی بردار لاک و سریش کن و تریاک که لاک و سرب کرد میبرد در اداره ارائه میدهد اگر تریاک نداشت میرویدی کارش . پس معنی مزاحمت باین طرفی که در نظر آقایان هست و تمام حرارتها هم روی آن عمل سابق است که آن مأمور را بکشید دستش را ببرید منفصل ابدیش بکنید ، و این حس ها تولید شده است ولی آقایان در این ماده نظر بفرمایند این ماده بکلی آن معنی ها را رفع کرده است و دیگر آن معنی نیست . اولاً در تمام این پیشنهادات این دو کلمه است که کسی را متهم بارتکاب قاچاق کرده و موجب مزاحمت او گردیده است هر آدمی که این کار را کرده است منفصل ابد شود . انومبیل من میزند دم دروازه

مأمورین نگاه میدارند این اسباب مزاحمت من است من الان میخوام برسم به اشکرت این شخص موجب مزاحمت من است . بنده جمعه گذشته در کرج مهمان بودم صبح رفتم برای گرفتن جواز دو ساعت طول کشید آنوقت آدم دم دروازه . دم دروازه پرسیدند اسمت چه چیز است ؟ اسم پدرت چه چیز است ؟ عیال چطور ؟ فلان چطور ؟ مهمان چطور ؟ اینهم دو ساعت طول کشید . اینها مزاحمت نبود آقا ؟ خوب مأمور کشف قاچاق که خیلی بیشتر میبرد پس آن نالوطی خیلی مزاحمت فراهم کرده است پس این شخص باید منفصل از این دنیا و آن دنیا بشود !! برای اینکه نمیشود مجازات معین کرد . هیچ کاری نمیشود با او کرد . آن ماده تا معین کرده است خاطر آقایان را زیرا مامور در صحرا ، در راه ، هیچ مزاحمت نمیتواند تولید کند . موجب آن ماده بمجربیکه مسافر تقاضا کرد که اینجا اسباب مرا باز مکن مامور موظف است قبول کند يك لاک سری بموجب آن ماده به بسته یا صندوق میزند و وقتی که رفت بشهر رسید باز میکنند دیگر مزاحمت یعنی چه ؟ مامور علم غیب دارد که در هر صندوق بگوید تریاک است حتماً باید باشد ؟ نه ممکن است باز بکنند و تریاک هم در او نباشد آنوقت من باید بگویم تو باعث مزاحمت شده و از این حرف شرف من ریخت ؟ من گفتم در این صندوق تریاک نیست و تو گفتی باز کن و نبود یعنی تو دروغ میگوئی و نسبت دروغ به من داده در صورتیکه در قرآن مجید خدا لعنت کرده دروغ گو را پس تو بیا منفصل ابد شو . این نمیشود آقا شما يك نظری به ماده سوم بیندازید مقصود و منظور همه آقایان در آن ماده تا معین است در اینجا هم بگذارید بنظر محکمه البته در مملکت برای تمام جزئیات و تمام کلیات موادی معین شده و همین مجلس شورای ملی آن مواد را گذرانده . مامور را میبرند اگر آنها زنده است ، اگر هتك شرف کننده است ، برای هر کدام ماده مخصوصی هست جزای معین دارد قاضی دارد اثبات دارد ، اینطور که نمیشود ما دنیا لفظ بگذاریم زیرش هم جزا

بگذاریم که اگر کسی را متهم کرد به ارتکاب قاچاق جزایش انفصال ابد است این نمی شود بنده عقیده ام این است حضرت آقای اعتبار هم از پیشنهاد خودشان صرف نظر فرمایند چون بنده اعتقاد این است که نجر به عمیق و عملی در این کار نشده بهتر این است بگذارند مأمورین دستشان باز باشد و کار خودشان را انجام دهند و ماده سوم هم منظور آقایان را نامین کرده است .

رئیس - آقای عراقی

بکنفر از نمایندگان - نیستند .

رئیس - آقای ناصری

ناصری - عرضی ندارم

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن . . .

دشتی - بکمرتبه دیگر خوانده شود .

(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقای افسر .

افسر - با توضیحاتی که مفصلاً آقای احتشام زاده

بیان کردند راجع به مزاحمت مأمورین نسبت به اشخاص تعیین مجازات مأمورین موافق قوانین جزائی بسته بنظر محکمه است اولاً در قانون جزا يك مجازاتی ننوشته است که کافی باشد برای حل این مطلب که ایشان موکول کرده اند به قانون جزا . دوم اینکه آن فرضهائی که آقای اورنگ فرمودند راجع به آن مأمورینی است که در توی راه می بینند و مظنون است ولی نظر آقایان باشخاصی است که در ولایات ترناک در جیب مردم و در دکان مردم می اندازند و اگر بدو سیه های نوحید نگاه کنید شاید این مسئله را صدمرتبه به بینید که بی جهت اسباب زحمت مردم را فراهم نموده اند این ربطی به سر بزدن ندارد آن قسمت راجع بتوی راه است که برای توی راه بگذارند اند مامم نا این اصلاح موافق هستیم در صورتی که در قانون جزا پیدا کنید که کدام ماده است و به آن اشاره بشود و الا این کافسی برای حل مطلب نیست و

نتیجه عملی هم ندارد . بنده هم عرض نمیکنم کاری بکنند که مأمورین از وظیفه شان بازمانند ولی باید فکری م کرد که از در طرف قضیه نظائرش کمتر اتفاق بیفتد یعنی هم قاچاق کمتر بشود و هم این نوع شکایات کمتر برسد مردم در زحمت نباشند . اینکه میفرمائید بعد از ثبوت بنده تعجب میکنم همینقدر که معلوم شد دروغ است دیگر چی را ثابت کند وقتی دروغ گفته است دیگر چه چیز را ثابت کند .

رئیس - رای گرفته میشود به قابل توجه بودن

پیشنهاد آقای اورنگ . آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد ' پیشنهاد آقای رفیع :

مأمورینی که بر خلاف واقع کسی را متهم به ارتکاب جرم قاچاق کرده و موجب مزاحمت شده باشند به جبران خسار تفری که بر اشخاص وارد آورده پس از ثبوت از نش ماه انفصال نا انفصال ابد به تشخیص محکمه و درجتن تقصیر محکوم خواهد شد . رفیع .

رئیس - فرمائید .

رفیع - عرض کنم بطوریکه در حضور آقایان گفته

شد بالاخره باید آن کسانی که اسباب اذیت مردم میشوند و بر خلاف قوانین و اوامر رؤسای خودشان رفتار میکنند و مزاحم مردم میشوند مجازات شوند و بالاخره باید جلوگیری شود و قدر جامعش این است که باید يك فکری هم کرد که مالیات دولت نکس نکند . درك پیش بینی کرده است که کسی که قاچاق کشف میکند قیمت ترناک کشف شده را بعلاوه صدسی به او میدهد ولی البته بی جهت هم نباید مزاحم مردم بشود . اینجا بر آن آنکه گفته شد که وقتی بکنفر اسباب زحمت کسی را فراهم کرد به محکمه مراجعه میشود و ثابت میشود . آقای افسر میفرمایند لازم نیست بنده هم با آقایان صحبت میکنم که این قسمت را بردارند همینقدر که آن شخص

نمی تواند ثابت کند که ترناک در خانه آن شخص است یا در دکان آن شخص است آن خودش ثابت است آنوقت محکمه خودش باید تشخیص بدهد . اگر ما بنویسیم در مرتبه اول ششماه و در دهمه نانی يك سال بالاخره این ترتیب محکمه را مجبور میکند که از روی قانون رفتار کند در صورتیکه شاید در همان دفعه اول مجازات او انفصال ابد باشد . پس اینجا ما برای محکمه حق قرار میدهم انفصال از ششماه تا ابد بقدری که خودش مجازات را اهمیت میدهد به همان مقدار برای او مجازات معین کند و اینقدر جامع است این فکر آقایان (بعضی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - آقای کلزرونی

کلزرونی - عرض کنم منبع عوائد دولت مردم اند و بواسطه مردم است که دولت میتواند بوسائل مختلفه عوائدی داشته باشد و اگر چنانچه به جهات عدیده مردم در فشار و مضیقه واقف شدند عوائد دولت قهراً از بین خواهد رفت . تعدیاتی که از طرف مأمورین نسبت مردم میشود بقدری زیاد است که انسان وقتی بخواند فکر بدهد نمیداند از کجایش شروع کند و چطور بگوید . بنده کاملاً موافقم با پیشنهاد آقای ولی در این قانونیکه الان میگذرد کشف ترناک قاچاق منحصرأ مأمورین دولت نیستند بلکه علاوه بر آنها مردم دیگر هم راه معاش خودشان را منحصر خواهند کرد به اینکه از صبح تا شام دقت کنند که يك ترناک قاچاقی کشف کنند با يك مردمی را متهم کنند یا اینکه ترناک قاچاق کرده و از این راه معاش کنند . ما در اینجا باید جلوگیری کنیم هم از مأمورین دولت که مفرضانه متعرض مردم میشوند و هم از اشخاصیکه از این به بعد بجای ولیگردی میخواهند از این راه معاش کنند . بنده خواستم استدعا کنم اگر ممکن است اینجا نوشته شود کلیه کسانی که کشف ترناک هستند و بر خلاف واقع و از روی غرض مزاحم مردم میشوند مجازات شوند و در اینجا گویا نوشته شده است خوب است نوشته شود کلیه کاشفین قاچاق نه تنها مأمورین دولت

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای رفیع را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد . (عراقی - قابل توجه نیست اصل ماده قانون است) پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب :

پیشنهاد میکنم ماده پنجم به کمیسیون عدلیه مراجعه شود تا با حضور وزیر عدلیه تنظیم و به مجلس تقدیم شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه را متوجه میکنم

اگر چه آقای وزیر مالیه این لایحه را آورده اند ولی این ماده در حقیقه بر می گردد به مسئله قضاوت و رئیس قوه قضائیه شما هستید . توجه فرمائید این مسئله را بنده که همیشه طرفدار اقلیت بوده ام حالا ناچارم طرفدار دولت بشوم زیرا می بینم جور غریبی واقع شده است . ما که اینقدر جدیت میکنیم که عواید دولت از بین نرود حالا که دولت لایحه آورده برای جلوگیری کردن از تفریط عوائد دولت بقدری پیشنهاد بر آن وارد میکنیم که اصل لایحه و منظور ازین مبرود این است که حقیقه از پرروز نا حالا نمیدانم چه واقع شده است . حالا گذشت . وارد شویم در اصل موضوع آقای وزیر عدلیه برای تقویت کردن قوه قضائیه در نظر داشتند دیوان جزای عمال دولتی تشکیل بدهند و يك لایحه قانونی تقدیم مجلس کردند و آن لایحه قانونی تحت اجازه مجلس به کمیسیون عدلیه آمد و این قدم بهترین قدمی بود که در دوره هفتم برای اصلاح ادارات و قضاوت مستخدمین دولت برداشته شد . آن قانون هم چنانچه بنظر آقایان رسیده است و الان شاید قریب ده ماه بایکسال باشد که بوان جزای عمال دولتی تشکیل شده است و خیلی اصلاحات عظیمی ما از آن دیده ایم چنانچه خود دولت اطلاع دارد و همه میدانند که دیوان جزای عمال دولتی قدمهای خوبی برای سعادت برداشته

و جلوگیری هم شده است از بعضی خلافکارهای عمال دولت و خیلی‌ها را هم تحت محاکمه و استنطاق آورده اند و حقیقتاً روح عدالت سریان و جریان شده است . در آن لایحه آقای افسر بودند ما دوازده نفر بودیم حالا نمیدانم چطور شد آن عقیده ها برکشت نظیر همچو ماده آقای وزیر عدلیه در آنجا آورده بودند که جرم مامور دولتی که میباید و برخلاف واقع راپرت بدهد چطور و چطور میشود . ما در اینجا . چون روحان در کبسیون اواخ خیلی زبرور میشود در آنجا هم به آقای وزیر عدلیه گفتیم که دواظر است . نظر اولی ما این است که در واقع این يك مقام پیدا میکند . دیوان جزای دولتی که دارای روح و حرارتی بود که با آن روح و حرارت میاورد مستخدمین دولت و آن کسانی که از وظیفه خودشان تخلف کرده اند میاورند و تحت محاکمه قرار میدهند و آنجا بمجرد اینکه مابك روحی بهمش میدهم میگوئیم آقا ملتفت باشی ! ملاحظه کن . يك کسی برای بنده صحبت کرد که در دوره سابق یکی از سلاطین سابق يك کسی را در عدلیه آورد و گفت میروی چنان بعدالک کار میکنی ولی با ملاحظه ! بمجرد اینکه اینرا که آن آدم برکشت . برای اینکه از اول هنوز نرفته میگوید با ملاحظه بنده آنروز عرض کردم حالا هم عرض میکنم بواسطه نقصانی که در عواید دولت نسبت به تریاک واقع شده و نسبت بروح کشی که در قاچاقیت مردم پیدا شده است دولت در خیال افتاده است که این روح کشی که عبارت از قاچاق و دزدی باشد ازین ببرد و این روح از بین نبرد مگر اینکه مجازات برای قاچاق قرار بدهند . شما در عین اینکه این معنی در نظرتان است در عین این حرارت زبر آتش را کشیدید و این روح بکلی تمام شد . حالا این را اینجا گفتیم بعد آقای وزیر عدلیه هم تصدیق کردند که اگر مستخدمین دولت نباشد بر خلاف واقع بیایند کسی را متهم کنند مطابق ماده دیگر ما میائیم او را تعاقب میکنیم و محاکمه می‌کشیم مطابق ماده دیگر . بنده عقیده ام در این قانون همین است که این ماده پنجم را

در اینجا بگذاریم وزیر عدلیه هست ، وزیر مالیه هست میانند در کبسیون و در آنجا يك ماده تنظیم می‌کنند اگر نظرتان این است که در خود این قانون باشد که هست ولی این برخلاف عقیده بنده است بنده عقیده ام این است که در این قانون نباشد و ماده علیحده نوشته شود همان بواسطه توجهی که اکثریت مجلس دارد بابتی فردا کبسیون تشکیل شود و این ماده را در آنجا تنظیم و تصویب کنیم و میآوریم به مجلس زبرا وقتی که در کبسیون واقع شد نظر اکثریت مجلس در آنجا منظور میشود و می‌توانیم مراتب تقصیر را مطابق خودش از خلاف و چنجه و چنابا قابل شویم و مطابق هر مرتبه از مراتب خلاف و جرمی که کرده مجازات برایش معین کنیم حالا يك لایحه و يك ماده نمی‌کنیم ممکن است دو ماده اسه ماده منحصر همین باشد که مطلقاً مستخدمین دولت برخلاف واقع کاری نکنند چه راجع بقاچاق باشد چه راجع بغير قاچاق مجازاتش را مرتب کنیم و بیآوریم اینجا در اینصورت نه روح این قانون را گرفته ایم و نه اینکه لایحه و قانون را طوری نوشته ایم که محکمه در مقام قضاوت دست و پایش بسته باشد مثل اینکه بخواد در زنجیر حرکت کند . چه کار کند چه چیز را باو اختیار بدهیم ؟ شش ماهش در چه وقت باشد . باید مامعین کنیم که چه جرمی مجازاتش دو سال حبس است و چه جرمی مجازاتش دو سال انفصال است و چه جرمی مجازاتش انفصال ابد است این را ما بر سبیل کلیت میائیم و بیان می‌کنیم . پس بهتر این است که در همان جا قرار بدهیم که نه روح این قانون را گرفته باشیم و منظور شما هم ناهین شده است حالا اگر این ماده بر کردد بکبسیون و مطالعاًه شود بهتر است هیئت دولت هم در این مسئله کاملاً نگاه میکنند عقیده بنده این است . حالا نمیدانم آقای وزیر عدلیه این عریاض بنده چه نظری اتخاذ خواهند کرد وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم يك قدری بیش از آنچه که این ماده ارزش داشت درس صحبت شده است

مادورا که دولت پیشنهاد کرده است اگر آقابات يك قدری بیشتر در آن دقت میکردند و در اطراف آن فکر مینمودند تصدیق میفرمودند که شاید بهترین فرمولی بود که معین شده بود چرا ؟ برای اینکه نوشته شده این که در این قانون نباشد و ماده علیحده نوشته شود همان بواسطه توجهی که اکثریت مجلس دارد بابتی فردا کبسیون تشکیل شود و این ماده را در آنجا تنظیم و تصویب کنیم و میآوریم به مجلس زبرا وقتی که در کبسیون واقع شد . یعنی گفت این آدم قاچاق کرده ولی معلوم نشد که قاچاق کرده باشد این شخص را نمیشود مجازات قرار داد . و محکوم کرد نه اداری نه جزائی این صریح است . بنده صاف عرض میکنم تا بعد اشتباه نرود مامورین کشف جرایم که من جمله یکی از آنها يك قاچاق است اگر بنا شود اول جرم را ثابت کنند بعد تعقیب کنند هیچ کاری از پیش نرود چه ثابت است بین قاچاق و جرم قتل ؟ چه تفاوت است بین قاچاق و دزدی چه تفاوت است بین قاچاق و سایر جرمها که میشود با شخصی که مامورین کشف هستند از قبیل مامورین نظمی پلیس و امنیه و (و در این موقع مامورین کشف قاچاق) گفت آن دقیقه و ساعتی که از برای شما ثابت شد مثل دو و دو چهار آتوق راپرت بدهید و تعقیب کنید ؟ هیچ همچو چیزی نمیشود گفت و چنین نمی‌شود کرد و هیچکس همچو عقیده ندارد . پس شوق را بگذارید چون بنده یواش یواش بی بینم صحبت می‌کنم میباید که هیچ ماموری نه در جرم قاچاق که در هیچ جرمی نمیتواند وارد شود زیرا ممکن است در مامور که تعقیب کرد بعد معلوم شود که آن سوء نوازش بی اساس بوده است . پس این را کنار بگذارید خود آن وقتی است که يك ماموری دانسته و فهمید . اطلاع باینکه این کار را این شخص نکرده چنین می‌بندد آتوق آقا شما بخباتان میباید کار بزرگی نمیدانم که دو سال انفصال یا حبس معین کرده اید ! همچو ماموری يك کسی است که مجازات های جزائی در او اگر قوانین جزائی را برای اینکار کافی نمیدانید

آنوقت باید قانون را اصلاح کرد . و بنده حاضر در کبسیون عدلیه در این قانون مطالعه میکنم اگر نقص دارد همانجا قانون را اصلاح کنیم . اما عقیده بنده در ماده . بنده اول موافقت کردم با نظری که آقابات پیشنهاد کردند ولی بعد دیدم طرز صحبت دارد يك زحمتی برای آتیه تولید میکند . یا باید بفرمائید (باز هم تکرار میکنم) که مامور کشف قاچاق وقتی که مطمئن شد کسی قاچاق کرده آنوقت حق دارد تعقیب کند رسیدگی کند و راپورت بدهد . این مسئله ممکن نیست بجهت اینکه اول باید رسیدگی کند و بعد بتواند راپورت بدهد پس بر میگردیم باینکه قضیه بر خلاف واقع همان طوری که بنده عرض کردم شد یعنی ماموری از روی غرض بیاید و يك چنین قاچاقی را در مال کسی و بسته کسی بخواد يك کاری کند آقا این نسبت جرم است . صورت مجلس دارد . جعل سند کرده است در بعضی موارد شما این را انفصال مینویسید آنوقت این جا بر میدارید کشف میکنید که سه ماه باشد یا شش ماه باشد . اول شما محرز کنید چه خلاف واقع شده است یعنی دانسته و فهمیده باینکه فلان شخص بی تقصیر است این مامور آمده و جرمی را میخواهد باو نسبت دهد اگر اینطور باشد که انفصال چیزی نیست (در قوانین جزائی هم دست) و اگر خیر ناشتبه يك کاری کرده آنوقت باید تمام اشخاصی را که اول تهدید میکنند و بعد معلوم میشود که بی گناه بوده اند بر آنها اقامه دعوی نمود مثلاً بر مدعی العمومی ها بر مستنطقین بر پلیس بر همه اینها اقامه دعوی نمود و این غیر ممکن است . و با این شکل زندگی نمیشود کرد بنا بر این اگر آقابات موافقت بفرمائید بنده تصور میکنم ماده دولت را همان ترتیبی که هست چون اگر در قسمت خلافی که واقع شده در واقع اشتباه و بدون قصد و عمد بوده است در این صورت قابل تعقیب نیست و بر او مجازاتی نمی‌توانند بدهند انفصال هم زیاد است . بجهت اینکه نمیشود بيك ماموری گفت قبل از اینکه مطمئن باشی که فلان آدم قاچاق است یا نه اقدام نکنی اگر مقصود این است که عالماً

عامداً نسبتی بشخص محترم داده و او را مجرم تشخیص داده است. این آدم مجازات بیشتر از این لازم دارد نه اینکه انفصال زیاد باشد. علاوه مثل این است که يك مأمور انتظامات از مأمورین ضباط عدلیه بیاید و برای بنده در صورتی که مرتکب جرمی نشده ام و سائلی فراهم کند که من را سارق قلمداد کند یا کلاه بردار جلوه دهد یا قاتل. این يك چیز کوچکی نیست و مجازات بیشتری لازم دارد. پس بنده خیال میکنم آقایان موافقت بفرمایند با فرمول دولت. منتهی در قوانینی که هست اگر هر کدام از آقایان نظری دارند ممکن است تشریف بیاورند بکمیسریون عدلیه و اگر مجازات هائی که هست کافی ندیدند بنده حاضرم دو آتشه نش بکنم و اگر کافی دیدند و دیدند خیلی بیشتر از آنچه که در اینجا نوشته شده در آنجا هست آنوقت دیگر این مذاکرات برای چه بنده تصور میکنم اگر این کار را بفرمایند و مسئله باین شکل حل شود و در نتیجه با همان ماده پیشنهادی دولت موافقت بفرمایند بهتر است.

رئیس -- عرض کنم که اولاً به پیشنهاد آقای آقا سید بقوب نمیشود رأی گرفت. ارجاع به کمیسریون از طرف مخبر ممکن است. (آقای وزیر عدلیه التفت بفرمایند) ماده اولی را که دولت پیشنهاد کرده بود بقوت خودش باقی بود تا اینکه آقای اعتبار پیشنهادی کردند و آقای وزیر امور خارجه بعنوان ماده دولت قبول کردند در اینصورت آن ماده محو میشود و این ماده که ایشان اجابت و قبول کردند قائم مقام آن ماده میشود و اینهم که او را موخر گذاشتند برای رأی گرفتن است برای این است که پیشنهادانی بر او وارد است و بر بنده مجهول است که ماده پیشنهادی دولت را چه باید کرد؟ وزیر عدلیه - بنده مقصودم این نیست که همان چیزی که نوشته شده باشد ممکن است همان مواد و همان مقصود را یکی از آقایان پیشنهاد کنند و آقایان دیگر هم موافقت بفرمایند آقای اعتبار و سایر آقایان موافقت

کنند باز هم این نکته را عرض میکنم در این مسئله خوب روشن نشده است که مقصود چی است اگر مقصود این است که این مفتش قبل از تقبش مأمور باشد اینکه نمیشود پس مقصود این است که يك مأمور بیاید و با علم باینکه این شخص مقصر نیست وسائل تقصیر را برای او فراهم کند آنوقت قانون جزا در حال او میشود بهرحال طوری باشد که مقصود همین باشد.

رئیس -- پیشنهادی از آقای ناصری رسیده قرائت می شود:

بنده پیشنهاد میکنم ماده بطریق ذیل اصلاح شود مأمورینی که از راه غرض اشخاص را متهم بجرم قاچاق نمایند پس از اثبات محکوم بانفصال از خدمت دولت خواهند شد از سه سال تا انفصال ابد به تناسب این خلافی که مرتکب شده اند. (ناصری)

رئیس -- آقای ناصری ناصری - پیشنهاد بنده توضیحش روشن است رئیس - آقای عراقی

عراقی -- آقای وزیر عدلیه طوری بیانات فرمود که تقریباً همه این پیشنهادات زیاد بود و باز بر گردیم بآن ماده که دولت نوشته یا بطور پیشنهاد کنیم با اینکه آن پیشنهادات را پس بگیریم آدله هم که برای این کار ذکر کردند یکی این بود مأمور اگر بداند که ممکن است خلاف واقع گفته این دیگر نمیرود سراغ کار تا وقتی که اسنادی برای تهیه شود و شهودی جلو آن مأمور اقامه شوند تا بیک مقصر نبوده نه آقا اینطور نیست. حضرات عالی تواریخی اداری سیر میکنند ما ولایات رامی بینیم و سیر میکنیم ما می خواهیم آن مأمورین مترسک داشته باشند بدون جهت و از روی غرض شخصی متعرض کسی نشود ما خودمان با این ماده همراه بودیم که دولت باید

قاچاق را بگیرد (صحیح است) و قاچاق هم اینطور نباشد تا عوائد دولت زیاد شود (صحیح است) ما خودمان از کم شدن عایدات دولت بواسطه قاچاق همیشه شکایت داشتیم و بدولت تذکر میدادیم ولی این ماده را که دولت تصویب کرده هیچ عنوانی از عناوین را برای اینکه مأمور مطابق قانون رفتار کند ندارد برای اینکه مسئله را احاله داده بانوان مجازات عمومی و در آنجا هم هیچ ماده که بتوانیم تطبیق با این جا بکنیم نداریم یا باید بگوئیم این مأمور جزء آن اشخاصی است که کاغذ سازی کرده یا جزء آلهائی است که نهمت و افتراء زده در آنجا همچو موردی ندارد که با این موضوع تطبیق شود. در اینصورت این آدم چطور مجازات میشود. دولت وقتی قانون میآورد باید در جنبه داشته باشد: و عدو و عید همانطور که شما وعدش را آورده اید که صدی سی یاو بدهید و عیدش را هم بیاورید که اگر تخلف کرد چطور بشود شما يك قانون گنکی در اینجا گذاشته اید. ماشاء الله با آن لسان خیلی شیرین هم که دارید ما را هم محکوم میکنید که هر چه صورت ظاهر حرفهای خودمان را نگاه میکنیم می بینیم خیلی بد حرفی زده ایم و می خواستیم این ماده را از بین ببریم خیر. آقا اینطور نیست. ما می خواهیم جلو قاچاق گرفته شود و در عین حال هم اصرار داریم بکسی خلاف احترام و خلاف شرف و غرض ورزی نشود (صحیح است) وقتی که دولت همراه است تا این اندازه آنوقت چرا این پیشنهادی که آقای رفیع کرده اند و خیلی خوب پیشنهادی هم هست رد کنیم. چرا ما این پیشنهاد را قبول نکنیم و بر گردیم دو مرتبه سراغ اولی. بنده از آقای وزیر عدلیه و از هیئت دولت خواهش میکنم قدری هم ملاحظه مردم و ما و خودشان را در عمل بکنند و به بینند که چه میشود. شما الان در نظمی خودتان اشخاصی هستند که همه شان مظنون هستند و بهشان سوءظن پیدا کرده اید ولی هیچکدام این ها از مأمورین بازده نمانی و بیست تومان نیستند شما از این قاچاق چندان اشخاصی که بروند در بیان می کردند آن اشخاصی هستند

وزیر عدلیه - متأسفانه بنده خیلی ملایم و نرم حرف میزنم در این جا هم همینطور است. بنا بر این رویه اساسی بنده این است که غالباً کمتر در مقدمات صحبت میکنم و بالاخره میخواهیم وارد نتیجه شویم. بالاخره باید نتیجه گرفت آن نتیجه هم که همه با آن موافقت دارند خوبست آقا بفرمایند. بنده البته فرق می گذارم مسلم است اگر شخصی که مشمول عمل جزائی شد معنیش این میشود که باو میگویند از نقطه نظر اینکه مجارانش معین شود، انفالش معین شود خوب با این حال ممکن است پیشنهاد آقای رفیع را قرائت بفرمایند در صورتیکه بشود موافقت میکنیم.

چند نفر از نمایندگان - مجلس رأی داده است

وزیر عدلیه - پیشنهادات البته خیلی داده شده ولی باید دید بالاخره کدام پیشنهاد را باید قبول کرد.

رئیس - پیشنهاد را چه کنیم ؟

وزیر عدلیه - رأی بگیرد.

رئیس - پیشنهاد کی را آقا ؟

وزیر عدلیه - پیشنهاد آقای رفیع را.

رئیس - آنرا رای گرفتیم و قابل توجه شد. باز می خواهید بخوانند.

وزیر عدلیه - بله بله. مانع قانونی ندارد.

رئیس - پیشنهاد آقای رفیع قرائت میشود:

مأمورینی که بر خلاف واقع کسی را متهم بارتکاب جرم قاچاق کرده و موجب مزاحمت شده باشند مجبران

که ماهی پانزده تومان میگیرند اینها اینقدرها غصه حیثیت مردم را نمیخورند فرض بفرمائید چه میشود. انفصال ابد هم بشود طوری نشده است سابقاً دولت روزی پنجهزار باو میداد حالا کار دیگر میکنند و هشت قران مزد میبرد پس غصه این آدم را خیلی نخورید و برای خودمان و مردم هم خوبست کار کنیم.

وزیر عدلیه - متأسفانه بنده خیلی ملایم و نرم حرف میزنم در این جا هم همینطور است. بنا بر این رویه اساسی بنده این است که غالباً کمتر در مقدمات صحبت میکنم و بالاخره میخواهیم وارد نتیجه شویم. بالاخره باید نتیجه گرفت آن نتیجه هم که همه با آن موافقت دارند خوبست آقا بفرمایند. بنده البته فرق می گذارم مسلم است اگر شخصی که مشمول عمل جزائی شد معنیش این میشود که باو میگویند از نقطه نظر اینکه مجارانش معین شود، انفالش معین شود خوب با این حال ممکن است پیشنهاد آقای رفیع را قرائت بفرمایند در صورتیکه بشود موافقت میکنیم.

چند نفر از نمایندگان - مجلس رأی داده است

وزیر عدلیه - پیشنهادات البته خیلی داده شده ولی باید دید بالاخره کدام پیشنهاد را باید قبول کرد.

رئیس - پیشنهاد را چه کنیم ؟

وزیر عدلیه - رأی بگیرد.

رئیس - پیشنهاد کی را آقا ؟

وزیر عدلیه - پیشنهاد آقای رفیع را.

رئیس - آنرا رای گرفتیم و قابل توجه شد. باز می خواهید بخوانند.

وزیر عدلیه - بله بله. مانع قانونی ندارد.

رئیس - پیشنهاد آقای رفیع قرائت میشود:

مأمورینی که بر خلاف واقع کسی را متهم بارتکاب جرم قاچاق کرده و موجب مزاحمت شده باشند مجبران

خسارتی که بر اشخاص وارد آورده پس از ثبوت از شش ماه انفصال تا انفصال ابد به تشخیص محکمه و درجات تقصیر محکوم خواهد شد .

رفیع - پس از ثبوت را حذف کنید (کازرونی باشد) رفیع باشد آقا .

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای ناصری . آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای زوار : بنده پیشنهاد میکنم علاوه از انفصال ابدی از خدمت دولت شش ماه حبس شود با اعمال شاقه (زوار) (همه مهتم نمایندگان)

رئیس - آقای زوار

زوار - اولاً علاج همچو مأمور وظیفه ناشناسی که می خواهد جان و مال و شرف و ناموس يك نفری را روی غرض شخصی از بین ببرد به عقیده وجدانی بنده مجازاتش اعدام است (صحبت بین نمایندگان صدای زنگ رئیس ...)

نه تنها شش ماه حبس یا انفصال ابد . عرض میکنم آقای روحی اولاً بموجب آن اصلی که ما این جا قسم خوردیم برای حفظ قانون مقدس اساسی . یکی از برجسته ترین مواد قانون اساسی حفظ جان و مال و ناموس و اعراض ... (بعضی از نمایندگان - اعراض) خوب . عرض بنده اشتباه کردم . بنا بر این بنده معتقدم يك کسی که مغرضانه می خواهد همه چیز يك نفر را در معرض تهدید در بیاورد شرفش را ببرد ، وقتی که کسی شرف کسی را برد محکمه چطور میتواند تشخیص بدهد . این چیز آسانی است خوب میگوید اتوموبیل را نگاهدار قاچاق این توست . وقتی که معلوم میشود در آن قاچاق نیست در این موقع يك ساعت همه چیز آن شخص که در اتوموبیل بوده است از بین رفته . این دیگر ثبوت لازم ندارد . و این ثابت

(انسر - صد اود) بلکه می خواهم عرض کنم صد اود منی است آنوقت صرف مزاحمت هم مطابق این قانون کامل است همینقدر آمد منزل من و خانه مرا تفتیش کرد بعد بنده بگویم تو عامد بودی و سوء نیت داشتی و بالاخره خورده خورده تمام مامورین باید بروند بعدلیه برای محاکمه و اسلحه بجای برای کشف نمیشود و نمیماند . و اگر ما میخواهیم اصل قانون را از بین ببریم آن يك فکر دیگری است و الا این پیشنهادات بعقیده بنده این قانون در عمل کان لم یکن میباشد (بعضی از نمایندگان صحیح است) و مخصوصاً یکی از آقایان گویا آقای کازرونی بودند میفرمودند کاشفین را هم همین کار را بکنیم . بالاخره کاشف را هم این بلارا برش بیاوریم بالاخره کی کشف میکند ؟ حالا بنده عرض میکنم مقصودی هم ندارم چند مرتبه است راجع بموضوع قاچاق در مجلس صحبت میشود بنده می بینم حس ارفاق نحر يك میشود . یعنی چه ؟ چرا بنده حس ارفاق به قاچاقچی دارم ؟ نمیدانم ... (همه مهتم نمایندگان - صدای زنگ طولانی رئیس) بنده خودم را میگیرم ... (همه مهتم نمایندگان صدای زنگ ...) چند نفر از نمایندگان اینطور نیست چه ارفاقی صدای زنگ ...)

یاسائی - بنده در قسمت حدود خودمان هر که قاچاقچی است می شناسم مفتش مالی هم با آنها همدست است بنده میدانم و تعقیب هم نمیشوند . این قانون هم عملی نیست بالاخره خود بخود لغو خواهد شد یعنی خودش لغو شود و خواهد خورد (باحرارت) این عقیده قطعی بنده است . بنده عقیده ام این است که ما باید مالیات بر يك را متوجه زراعت کنیم مالیات جریبانه ببندیم مالیات کم ببندیم کمی که سهل الوصول باشد نه زیاد باشد تا لغو وصول گردد و عقیده بنده این است که وقتی ما عنوان قاچاق را میآوریم بایستی همه گونه مجازات قائل شویم در باره قاچاقچی بعضی همیشه قانون مجازات متوجه است بآن کسی که متصف باشد بقاچاق والا يك شخص محترمی را نهمت بزنند این قانون بجسائی نمیرسد

و مکرر عرض کنم اگر چیزی بنده عرض میکنم در این باب یعنی ارفاق بر مجازات معنای او اینطور نشود نه از باب این است که ارفاق بشخص کرده باشم برای این است که میخواهم ارفاق به پیشرفت کار کرده باشم که نتیجه اش جمع آوری عوائد دولت باشد از ابتدا بنده عرض کردم که اگر بخواهید این پیشنهاد را که قید انحصار درش نوشته شده است قبول کنیم آوقت منجر باین میشود که یک نظامنامه را هم قائل شویم مکرر جلسه گذشته عرض کردم امروز هم عرض کردم که یک مدارجی را که ممکن الوقوع است امکان است کسی نسبت بدیگری توهینی بکنند مزاحمتی بکنند خسارتی وارد بیآورد در درجات مختلفه پس محتاج باین است که یک نظامنامه در نظر بگیریم با در ماده آنرا تفسیر و تفکیک کنیم و این خیلی مشکل میشود عرض کردم ممکن است که در آنجا احاطه با همیم بماده که در قانون جزا هست (کلاسی - در آنجا ندارد) عرض کردم ممکن است آقای وزیر عدلیه هم تشریف ببرند آنجا اگر چیزی لازم بود بر او علاوه کنیم یک قسمتهائی را در ذیل او قرار بدیم یا اینکه ممکن است در نظامنامه که وزارت مالیه یا وزارت عدلیه یا وزارت مالیه و وزارت عدلیه مشترکاً تهیه کنند مدارج جزئی بر طبق او عمل شود. بنده پیشنهادات مختلفه دادم و در بین آنها دو پیشنهاد شده است که رای هم گرفته شده و قبول شده است بنده هم با هر کدام یک مناسبتی موافقت کردم منظور این است که آن چیزی را که می بینم علی العجلاله در مجلس در نظر هست بقدر مقدور بتوانیم بحالت مناسب آورده باشیم برای منظور پیشرفت اداری من جمله پیشنهاد آقای رفیع بود که بنظر بنده مناسبتر میآید حالا برای اینکه وقت دیر است و مذاکرات هم باندازه کفایت شده است روی منظور دو طرف قضیه و بالاخره لایحه هم با قید دو فوریت تقدیم شده ملاحظه بفرمائید یک روزی هم در پیش آمده روز هائی هم ممکن است در بین بیاید و این برخلاف

رویه است که در نظر داشتیم همینقدر مقام ریاست اگر بین این دو پیشنهاد تکلیف را بطرزی که مقتضی است معین کنند بطوریکه عرض کردم از یک لحاظ باید پیشنهاد ثانوی موافق ترم بجهت اینکه عملی تر شود و طوری شود که ما بتوانیم لایحه را امروز بگذرانیم و مأمورین هم مشغول کار شوند

رئیس -- آقایانیکه پیشنهاد آقای زرار را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد. عرض کنم اینکه خواهانند بنده یک قدر مشترکی پیدا کنم که کار با آنها رسد ترتیب نظامنامه این است که یک پیشنهادی آقای اعتبار کردند قبول فرمودید ماده پنج که در لایحه بود حذف و عمو میشود و پیشنهاد ایشان قائم مقام او میشود. (کازرونی صحیح است) پیشنهادی آقای رفیع کردند قابل توجه شد این حالا بالقوه دست بنده هست تا بعد پیشنهادان دیگر را امتحان کنیم و نظر مجلس را معلوم کنیم در حدود یک دو سه چهار پنج شش پیشنهاد اینجا هست که آنها را قاعده بنده باید عرضه بدارم به مجلس مجلس اظهار نظر کند له یا علیه حرف بزند به پیشنهاد آقای رفیع اولاً و به پیشنهاد آقای اعتبار ثانیاً بطور فطم رأی گرفته شود

وزیر عدلیه - البته آقایانی که پیشنهاد داده اند مختصره ولی اگر ممکن است آقایان پیشنهاد خودشان را این بگیرند ما هم با پیشنهاد آقای رفیع موافقت میکنیم که این پیشنهاد بجای ماده باشد.

اعتبار - بنده استرداد میکنم

رئیس -- آقای دهستانی استرداد میفرمائید؟

دهستانی - بلی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب استرداد میفرمائید؟

آقا سید یعقوب -- بنده بر حسب تقاضای دولت

که آن پیشنهاد را کردم حالا که دولت میخواهند استرداد میکنند

وزیر عدلیه - تشکر میکنم

رئیس - آقای روحی پیشنهاد خودتان را استرداد میکنید؟

روحی - خیر این غیر از آن موضوع است بنده تعقیب میکنم.

رئیس -- آقای مؤید احمدی استرداد میکنید؟

مؤید احمدی - بلی.

رئیس - پیشنهاد آقای روحی قرائت میشود:

کلیه مأمورین که متصدی امر کشف قاچاق میشوند نباید به اداری داشته و لااقل واجد رتبه یک اداری باشند

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده قبلادراین موضوع مشروحاً اطلاعات نمودم بر عرض کردم وزارت مالیه یک دسته از مأمورین دارد که آنها همی هفده هجده تومان حقوق میگیرند و هیچیک رتبه اداری ندارند و این تضيیقاتی که برای متهم با آنها بنده معلوم کرده ام هیچکدام شامل حال آنها نخواهد بود زیرا آنها نه پول دارند نه رتبه اداری پس این نوع اسلحه معنی ندارد با اینهمه منتظر خدمتی که وزارت مالیه دارد حقیقه مقتضی است اجازه بدهند که اینها متصدی این عمل شوند و مسلماً کسی که توانست واجد رتبه اداری شود رتبه اش را دوست میدارد از حیث خلایق و غیره هم این شخص مورد اطمینان است وزارت مالیه هم خیلی منتظر خدمت دارد اینها را بکار بگیرند اشخاصی که متصدی این امر میشوند حتماً واجد رتبه اداری باشند نه یک مرد مانیکه در وسط بیابان بجان مردم بیفتند حتماً این تضيیقات شامل آنها نخواهد بود زیرا نه رتبه دارند که برود نه پول دارند که بتوانند بیک نفر خسارت وارد آوردند جبران کنند.

وزیر امور خارجه - يك نظری البته آقای روحی داشتند و میخواهند شاید باین وسیله آن نظر خوبی که دارند تا این شود ولی متأسفانه نمیشود ملاحظه بفرمائید رتبه اداری داشتن یعنی از فلان مبلغ زیادتراً حقوق گرفتن مفتشین و مأمورینی که در اینکار هستند چقدر خوب بود که کار ما بجای می رسید و بالاخره هم خواهد رسید که بتوانیم مأمورین خیلی خوبی با مواجب بسیار کافی بگذاریم در امورات که اطلاعات داشته باشند ولی علی العجلاله او عملی نخواهد بود زیرا مأمورینی که شما میخواهید برای تفتیش بفرستید مأمورینی نخواهند بود که صدو بیست تومان یا صدو پنجاه تومان حقوق بهش بدهند. گذشته از این اگر از نقطه نظر خدمت وزارتخانه در نظر بگیریم آن بهترین شقوق است وزارتخانه اگر بتواند راضی کنند و موفق شود چنانچه حالا میکند با همان حقوق انتظار خدمت مشغولش میکند (روحی - بسیار خوب) و البته يك قسمتی از منظور آقا تا این میشود مطابق نداریم ولی رو بهمرفته قید این مسئله در ماده قانون هیچ مناسبت ندارد (بعضی از نمایندگان صحیح است)

رئیس -- مسترد میدارید؟

روحی - بلی

رئیس -- ماده پیشنهادی آقا رفیع که بمنزله ماده پنج شده است قرائت میشود و رای میگیریم.

(پیشنهاد آقای رفیع بشرح سابق قرائت شد)

بیات - اجازه میفرمائید؟ يك اصلاح عبارتی.

رئیس - بفرمائید

بیات - اینجا بعقبه بنده این کلمه جبران خسارت باید بعد از ثبوت نوشته شود چون اینجا مقصود این است که پس از ثبوت و جبران خسارت انفصال از شش ماه الی ابد باشد و اینجا اینطور مینماید که جبران خسارت همان انفصال است. اینجا عقیده بنده این است که اگر بعد از ثبوت را میخواهید باقی بگذارید قبل از

چیرات خسارت نوشته شود (کلالی - ثبوت را حذف کردند) و عقیده ام این است که اصلاح شود رفیع - بلی بلی همانطور اصلاح بفرمائید رئیس - نظر آقا موافق است با اصلاح ؟ ضیاء - يك مرتبه ديگر قرائت بفرمائيد : مامورینی که برخلاف واقع کسی را متهم بارتکاب جرم قاچاق کرده و موجب مزاحمت شده باشند بجزیران خسارتی که بر اشخاص (عراقی - پس از ثبوت) بجزیران خسارتی که بر اشخاص وارد آورده پس از ثبوت (عراقی - نه آقا پس از ثبوت را بعد از جزیران خسارت بگذارید)

رئیس - دوباره از سر میخوانند :

مامورینی که برخلاف واقع کسی را متهم بجرم قاچاق کرده و موجب مزاحمت شده باشند پس از ثبوت بجزیران خسارتی که بر اشخاص وارد آورده از شش ماه انفصال تا انفصال ابد بشخصی محکمه و درجات تصصیر محکوم خواهند شد .

طهرانی - بنده مخالفم

رئیس - اصلاح عبارتی دارید

طهرانی - بلی اصلاح عبارتی دارم توضیحی هم دارم رئیس - بفرمائید

طهرانی - این کلمه خلاف واقع را واقعاً بنده نمیدانم آقایان چه خیال میکنند . هر اتومبیلی بیاید هر کس برود مأمور همینقدر که تصور کنند در این تریاک است و رفت جلو او را گرفت این خلاف واقع است و مأمور متهم است و او را باید برده محاکمه پس خوب است اساساً يك پیشنهادی بشود که قانون از بین برود (مهمه نمایندگان) اجازه بدهید بنده عرضم را بکنم بعد هر چه میخواهید بگوئید . اساساً قاچاق را که مثقالی پنجفران برایش قیمت قائل شده اید این قاچاق را بنده

مامور جلوی کسی را بگیرد و بهر اتومبیلی سوء ظن پیدا کرد برود جلوی اتومبیل را بگیرد هر وقت هم نبود بهر مجازاتی که محکمه معین کرده است محکوم شود گفتیم اگر تریاکی را عمداً در کیسه يك کسی گذارند اگر در بلا فغانی تریاک گذارند و اسباب زحمت آن فقیر شوند ما خیلی دلسوزتریم و ابتدا اجازه نمیدهیم باینکه بگویند ما اینجا آمده ایم و میخواهیم دفاع کنیم (با حرارت) . شما موافق هستید که با قاچاقچی نباید همراه بود ما هم موافق هستیم تمام يك حرف را میزنیم ما میگوئیم مملکت باید پول داشته باشد و از راه صحیح آنچه را که قانون میگوید پول گرفته شود شخص اول

مملکت همین امر را کرده دولت هم همین کار را میکند و الاخره يك اشخاص کوچکی هستند فطرتشان پست است برای دوازده تومان مزاحم مردم میشوند ما مقصودمان این است که رفع مزاحمت از مردم بکنیم والسلام با این ماده هم موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده يك توضیحی میخواهم .

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده در اینجا خواستم در مرتبه

باید را بخوانند خواستم آقای وزیر عدلیه را توجه بدهم در اداره انحصار يك محکمه صلحی در اینباب تشکیل شده است یعنی اداره انحصار مرتکب قاچاق را جلب می کنند در آنجا وحکم میکند و بعد آن میروند مثلاً دوسیه میخوانند و معلوم شد که خلاف واقع بود بعد میروند جای دیگر عرض میدهم که محکمه صلح علیحده است و یا

اداره انحصار آن کسی را که قاچاق کرده است جلب میکنند میبرد بصلحیه با میروند بداره انحصار و در اداره انحصار این محکمه تشکیل شده است ؟ چون این عبارت وافی بمقصود و روشن نیست اگر در اینجا توضیح بدهند بهتر است .

وزیر عدلیه - بنده گمان میکنم اگر يك مرتبه ماده را قرائت کنید جواب آقا داده میشود (ماده ششم مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - در این ماده آقای وزیر عدلیه توجه کنند تصور میکنم يك قدری مطابق اصول نیست زیرا ممکن است ما يك زنبی بنویسیم که بر خلاف اصل هم نشود حکم غیر قطعی محکمه را بدون اینکه عنوان قانونی روش بگذاریم بگوئیم اجرا شود . بنده عقیده ام این است که اصلاح کنیم که موقه اجرا شود اینطوریکه نوشته شده مثل این است که يك حکم غیر قطعی واقعاً اجرا کنند وزیر عدلیه - در عین اینکه بنده کلمه موقت را قبول میکنم ولی در هر حال مقصود هم تأمین شده بود چون مینویسد اگر بموجب حکم بود و بعد در محاکم ما فوق تهرته شد حالا بنویسید کلمه موقت را .

رئیس - رأی میگیریم بماده ششم با افزودن کلمه موقت بطوریکه آقای یاسائی پیشنهاد کردند و آقای وزیر عدلیه قبول کردند . موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده هفتم قرائت میشود :

ماده هفتم - این قانون بلا فاصله بموقع اجرا گذاشته میشود .

آقا سید یعقوب - ماده الحاقیه قبل از این پیشنهاد کردم و فرستادم .

رئیس - باین ماده رأی میگیریم بعد اگر ماده پیشنهادی

آقا جلب توجه کرد نمره هایش را تغییر میدهم. موافقین با ماده قیام فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده الحاقیه از طرف آقای آفاسید یعقوب رسیده است قرائت میشود:

ماده الحاقیه - قاچاق قند و شکر و چای هم در حکم قاچاق تریاک است یعقوب الموسوی

(صحبت بین نمایندگان زنک رئیس ... کلالی مربوط باین نیست آن در سرحدات است ...)

رئیس - بفرمائید

آفاسید یعقوب - يك موضوعی را آقایان توجه بفرمایند ممکن است که بنده در اشتباه باشم (بنده خودم را معصوم میدانم) استرداد کنم ما آمدیم يك اشیائی را تحت نظر دولت قرار دادیم یعنی عواید آنها را معین کردیم خرجش را هم معین کردیم یعنی دولت بردارد از آن عواید و يك مخارجی بکند آمدیم قانون

انحصار قند و شکر را گذرانندیم و بهترین عواید را برای بهترین محل آبادی مملکت معین کردیم انحصار قند و شکر در مجلس پنجم گذشت و عواید او را هم گذاشتیم برای رشته حیاتی مملکت که عبارت از راه آهن باشد و خیلی هم شکر الهی را بجا میآوریم که در این دوره دولت موفق شد راه آهن شمال ما را عملی کرده است به روشنائی چشم عموم ملک و همینطور راه آهن جنوب هم عملی میشود و این يك افتخاری است که در این دوره نصیب ما ما شده پس وقتی که ملاحظه بفرمائید بهترین مصرف عواید قند و شکر راه آهن است که این انتظار آرزوی صدساله ملت ایران بود که صد سال بود ملت ایران این انتظار را داشتند که يك روزی دارای راه آهن بشوند تا بحمداله در این عصر طلائی ما دارای راه آهن واقع شدیم بعد از آنکه ما در این عصر منافعش را هم دیدیم عملش را هم دیدیم آنوقت بیائیم نسبت باین محل به مسامحه و ملاحظه

کنیم. بنده می بینم آن اندازه که دولت نسبت بقانون انحصار تریاک جدت میکند و مواظبت میکند در قانون انحصار قند و شکر نمیکند و این برخلاف عقیده بنده است چرا؟ تریاک يك چیزی است که در مملکت ما موجود میشود فلاحتش در مملکت ماست زراعتش در مملکت ماست افراد ملت او را بدستخرج خود عمل میاورند ما بقدری قانون برایش مینویسیم از وقتیکه از زمین در میآید حلقه حلقه قانون دورش را میگیرد تا وقتیکه بکلی آزا نبود کند در صورتیکه تمام ماها روحاً، جاناً، مالاً، مذهباً، دیانتاً طرفدار زراعتیم اما در مقام قانون برای کشتن و خفه کردن زراعت مجاهدت میکنیم اما نسبت بچیزی که از خارج میآید عوایدش بدیگران میرسد !! بلی قاچاقش بد است حالا باید يك فکر دیگری بکنیم قاچاق همانچوری است که آقای باستانی اینجا بیان کردند هیچك از ماها طرفدار قاچاق نیستیم و نمیخواهیم این روح کشتی فروزش پیدا کند و افکار قاچاق در مملکت ما باشد لابد افراد شریر هستند که دارای این روح خبیث و کشتی فندان را هم باید قانون جلوش را بگیرد و دولت قانونی در این باب نیابوده است بنده پیشنهاد کردم که قاچاق قند و شکر که امتعه داخله ما نیست در مملکت ما نشو و نما نمیشود و از خارج می آید يك سبلی است که میآید طلائی ما را بر میدارد میرسد ما ساکت باشیم و بمسامحه بگذرانیم و در مسئله تریاک با فشاری کنیم این است غرض من حالا آقای وزیر امور خارجه با آقای وزیر مالیه با آقای وزیر عدلیه در اینباب يك تأمینی به بنده بدهند که همینچورم دولت در نظر دارد که نسبت بقاچاق قند و شکر که مخصوصاً در سواحل جنوب میشود و اندازه شده است که نجات معتبر را از کار انداخته است آزا جلوگیری میکنند بنده استرداد میکنم.

وزیر عدلیه - عرض کنم که خود ایشان اگر نوجا بکنند اعتقاد باین پیشنهاد خودشان را سلب خواهند کرد، بالاخره میخواستم خواهش کنم که پیشنهادشان

را پس بگیرند برای اینکه قانون قاچاق که مجازاتش در قسمت تریاک هست و جریمه معین کرده است البته بنسب اهمیت که از نقطه نظر مالی قضیه دارد پس در این لایحه که نگاه کنید بیشتر توجه دولت باین بوده است و این مواد را آورده است برای این است که ملز قاچاق تریاک خیلی سهل است و بنا بر این آمده است و يك وسائلی را اتخاذ کرده که بشود بسرعت جلوگیری کرد در آنجا قند و شکر و چای را نمیشود در یک بسته مقدار زیادی قاچاق کرد و در سرحد هم گمرک اختیار دارد پس بنا بر این محتاج باین ماده نیستیم و الا دولت نه در آنجا میگذارد قاچاق نبود نه در این جا. این است که نمائیم مسترد بفرمایند آفاسید یعقوب - استرداد میکنم.

رئیس - مذاکرات در کلیات است. آقای باستانی باستانی - بنده عرضی ندارم.

رئیس - مخالفی ندارد؟ (اظهاری نشد) موافقین با قانون مجازات مرتکبین قاچاق بوضعی که مواد او را قرائت

بفرمایند

وزیر مالیه (آقای میرزا حسنخان مشار) - آقای میرزا همایون خان سیاح را که از اعضاء لایق وزارت مالیه است بسمت معاونت وزارت مالیه حضور آقایان معرفی میکنم (جمعی از نمایندگان صحیح است)

رئیس - اگر آقایان موافقت بفرمایند جلسه را ختم کنیم (صحیح است)

جلسه آتیه روز پنجشنبه هفتم آذر سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه تأمین مدعی به (مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

رئیس - تصویب شد. آقای وزیر مالیه فرمایشی دارید؟

(۴ - معرفی معاون وزارت مالیه)

وزیر مالیه (آقای میرزا حسنخان مشار) - آقای میرزا همایون خان سیاح را که از اعضاء لایق وزارت مالیه است بسمت معاونت وزارت مالیه حضور آقایان معرفی میکنم (جمعی از نمایندگان صحیح است)

(۵ موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

رئیس - اگر آقایان موافقت بفرمایند جلسه را ختم کنیم (صحیح است)

جلسه آتیه روز پنجشنبه هفتم آذر سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه تأمین مدعی به (مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر